

۱۰ فرهنگ ادبیات وهنر

ضمایر [او]

محمد جعفر یاحقی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی بیان کرد:

فرهنگستان‌ها نظارت کنند

یک عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت، فرهنگستان برای هر علم شورای خاصی دارد که به واژه‌سازی مخصوص همان علم می‌پردازد و وظیفه فرهنگستان توجه به مسائل علمی مرتبط با تخصص خود است. محمدجعفر یاحقی در گفت‌وگو با ایسنا درخصوص معرفی فرهنگستان جمهوری اسلامی اظهار کرد: «فرهنگستان یک نهاد علمی است که زیرنظر بالاترین مقامات کشور اداره می‌شود. وظیفه فرهنگستان توجه به مسائل علمی مرتبط با تخصص خود است. درحال حاضر چهار فرهنگستان زیرمجموعه فرهنگستان جمهوری اسلامی هستند که هر کدام در مسیر مربوط به خود فعالیت می‌کنند. این فرهنگستان‌ها شامل فرهنگستان علوم پزشکی، فرهنگستان علوم، فرهنگستان هنر و فرهنگستان زبان است و در میان این فرهنگستان‌ها فرهنگستان زبان به‌واسطه کارکرد عمومی‌که دارد شناخته‌شده‌تر است.»

ا درباره سابقه فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: «فرهنگستان زبان از سال۱۳۶۹ پا گرفته و سومین دوره فرهنگستان زبان و ادب را شکل داده است. دو دوره قبلی این فرهنگستان در زمان رژیم سابق و دوره سوم در زمان حکومت جمهوری اسلامی شکل یافت. عموما ساختار فرهنگستان به این شکل است که عده‌ای به‌عنوان شورای اصلی فرهنگستان معرفی‌شده و با ابلاغ ریاست‌جمهوری مشغول به کار می‌شوند. در فرهنگستان دو گروه مشغول به کار می‌شوند که به‌گروه اصلی‌اعضاء پیوسته‌که دائمی هستند اطلاق می‌شود که از بین اعضاء شاخص کشور در حوزه خود انتخاب می‌شوند وگروه دوم نیز شامل اعضاء وابسته است که موقتی هستند. بخش‌های مختلف فرهنگستان شامل واژه‌گزینی، لهجه‌ها، دستور زبان، زبان‌های باستانی و مطالعات ادبی می‌شود.»

این استاد برجسته زبان و ادب فارسی تشریح کرد: «در فرهنگستان زبان حدودا ۳۰۰ عضو وابسته و پیوسته فعال هستند که برنامه‌های مختلفی دارند. درحال حاضر چند دانشنامه در فرهنگستان منتشر شده است. برای مثال ۱۲جلد از دانشنامه زبان و ادب فارسی، ۵جلد دانشنامه شبه‌قاره و دانشنامه آسیای صغیر و... منتشر شده است. هرگروه در این فرهنگستان مجله مرتبط با خود را منتشر می‌کنند که تمام آنها در سطوح بالا و توسط متخصصان حوزه خود منتشر می‌شوند.

این گروه‌ها شامل گروه ادبیات تصویری، گروه دستور، گروه گوش‌شناسی و گروه تحقیقات ادبی و مجله نامه فرهنگستان می‌شود.»
یاحقی در بخشی از صحبت هایش اشاره کرد: «مهم‌ترین نقش فرهنگستان‌ها ساخت واژه‌های بومی است و بسیاری از کلمات مانند شهرداری، شهربانی، دادگستر، دادگستری، سربان، سرلشکر و... نتیجه فعالیت و کار بسیار فرهنگستان در طول دوران مختلف است. تمام این کلمات در زمان رضاشاه عربی بودند که امروزه معادل فارسی دارند؛ البته گاهی اوقات برخی از پیشنهادات فرهنگستان‌ها موردقبول جامعه قرار نمی‌گیرد که این لغات مورد بازنگری قرار خواهند گرفت.»



عکاس پیشکسوت انقلاب درگذشت

عزیزا... نعیمی از عکاسان پیشکسوت انقلاب و دفاع مقدس دار فانی را وداع گفت. خبر درگذشت عزیزا... نعیمی در گفت‌وگوی ایسنا با مجتبی کوچکی، مدیر انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس به تایید رسیده است. عزیزا... نعیمی از عکاسان پیشکسوت انقلاب و دفاع مقدس، چند ماه به علت بیماری در بستر بود. بهمن سال گذشته، مدیرکل آرشيو، مدیرکل روابط عمومی و مدیر روابط عمومی معاونت سیما به عیادت این عکاس بازشسته رفته بودند.

تلخکامی به توان ۳

درباره ۳ فیلم ایرانی صحنه زنی، بوتاکس و شهربانو

که از پرمخاطب‌ترین آثار سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر هستند



علی رستگار

سینما

اگر از زمهریر و سیستم به‌شدت سرمایه‌شی این روزهای چارسو بگذریم، آنچه باعث گرمای این پردیس سینمایی می‌شود، تازه‌کردن دیدار اهالی سینما و رسانه بعد از مدت‌هاست. اگر مدیران محترم جشنواره جهانی فیلم فجر ناراحت نمی‌شوند، این مهم حتی بر کم‌رمتی فیلم‌های خارجی و ایرانی این رویداد، ارجحیت دارد و بیشتر باعث شور و حرارت جشنواره می‌شود. شاید کمی بی‌انصافی باشد، اما تنها قدردانی ما از فیلم‌های حاضر، به خاطر ایجاد این ضیافت و دورهمی سینمایی است که در این شرایط کرونایی، امیدهایی را در دل علاقه‌مندان و فعالان سینما زنده می‌کند.

از طرف خود جشنواره اعلام شده که این رویداد به فهرست جشنواره‌های جهانی فیايف (فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم) راه‌یافته و به عبارتی جزو جشنواره‌های رتبه الف جهان شده است. این موضوع نیاز به بررسی کارشناسانه و دقیق و منصفانه دارد تا به جواب این پرسش برسیم که جشنواره جهانی فیلم فجر، حتی با وجود این که به‌زعم سیدرضا میرکریمی، دبیر قبلی این رویداد، یکی از ۱۶ جشنواره رقابتی برتر دنیاست، چقدر در واقعیت، عمل، کیفیت، استانداردهای برگزاری و به‌ویژه در وزن و اعتبار فیلم‌ها، قابل رقابت و حتی مقایسه با جشنواره‌های مهم و معتبر دنیاست؟ چقدر جایزه سیمرغ زرین و سیمین این جشنواره برای فیلمسازان جهان و حتی منطقه مهم است و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند؟ با وجود نیت خیر و تلاش‌های ارزشمند صورت‌گرفته در این چند سال و امیدواری به آینده، جشنواره جهانی فیلم فجر، هنوز راهی طولانی برای رسیدن به جایگاهی مطلوب و شایسته میان جشنواره‌های معتبر سینمایی جهان دارد. جشنواره‌ای که استقبال از فیلم‌های ایرانی آن - آن هم آثاری که عمدتاً شاخص نیستند، فیلمسازان چهره سینمای ایران نیز تمایلی جدی به حضور در آن ندارند و جشنواره داخلی فیلم فجر را ترجیح می‌دهند - بیشتر از فیلم‌های معمولاً کم‌اهمیت و غالباً ناشناس خارجی است و تازه فیلم‌های ایرانی حاضر هم معمولاً آثاری هستند که موفق به حضور در بخش داخلی جشنواره فیلم فجر نشده‌اند، در نتیجه چندان نمی‌تواند مدعی یک رویداد استاندارد، پرقدرت و پرتقاضای جهانی باشد. فیلم‌های «صحنه زنی» و «شهربانو» که در این دوره از جشنواره حضور دارند و به دلیل کنج‌کاوی مخاطبان، برخی امتیازات و البته ظرفیت حداقلی سالن‌های سینما (برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی) با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده‌اند، از جمله این فیلم‌ها هستند. عجالتاً درباره این دو فیلم و «بوتاکس» که همگی فضایی تلخ و تراژیک دارند، نوشته‌ایم تا در روزهای بعد، درباره برخی فیلم‌های شاخص دیگر این رویداد هم بنویسیم.

شنای قورباغه

جشنواره جهانی فیلم فجر به‌تدریج به پناه فیلم‌هایی تبدیل شده که راهی به جشنواره داخلی فیلم فجر پیدا نکرده‌اند. صحنه‌زنی به کارگردانی علیرضا صدقی، یکی از تازه‌ترین مصداق‌ها است. فیلم با وجود این‌که، در کلیت مابه‌ازای بیرونی دارد و به مساله صحنه‌زنی (صحنه‌سازی‌هایی همچون تصادف برای تلکه‌کردن یا دیه گرفتن و کسب درآمد نامشروع در این رابطه) در جامعه می‌پردازد و از این نظر قابل تأمل است، اما در فیلمنامه و ساختار، حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و به فیلم مهم و تمام و کمالی تبدیل نمی‌شود. حتی در بحث صحنه‌زنی و صحنه‌سازی این چنینی هم پیشتر نمونه خوب «تراژدی» به کارگردانی آریتا مگوگی را داشتیم که مسائل و مشکلات موجود در جامعه و طبقه فرودست جامعه را به شکل عمیق‌تری مطرح کرد.

اما صحنه‌زنی به جای تمرکز روی شخصیت‌های قربانی، سراغ روایت نیازمندهای سودجو می‌رود که با جان قربانی‌ها بازی می‌کنند. افرادی که خودشان هم از سر نیاز و برای رهایی از بحران و گرفتاری، روی بد و ناخوشایند خود را نشان می‌دهند و مدام این بازی مرگبار را برای قربانی‌ها تدارک می‌بینند. از بدشناسی‌های صحنه‌زنی این است که تماشاگران پیش از آن، با نمونه‌ای چون «شنای پروانه» روبه‌رو شده‌اند. گرچه فیلم محمد کارت، ربطی به صحنه‌زنی ندارد، اما فضای دارودسته خلافکاران و «عطش یک بودن» و رقابت کثیف و ناسالم میان آنها، فصل‌های مشترک این دو فیلم است که در شنای پروانه به بهترین و جذاب‌ترین شکل ممکن اتفاق می‌افتد. اما در صحنه‌زنی، با ضعف فیلمنامه و شخصیت‌پردازی، با نمونه‌هایی دم‌دستی‌تر مواجه هستیم. از این‌رو مقایسه و رقابت کاراکتر سبزواری (باوجود تلاش مجید صالحی) در صحنه‌زنی با مصیب (مهدی حسینی‌نیا) در شنای پروانه، نتیجه‌ای چون پیروزی گزینه دوم ندارد. در این میان حیف‌ترین شخصیت، اسد یا ارسلان با بازی بهرام افشاری است که در فیلمنامه و فیلمی دیگر با همین هیبت و شکل و شمایل، به نقشی ماندگار تبدیل می‌شد، اما اینجا و در متن و شخصیت‌پردازی نه چندان کامل، هدر می‌رود. نقش‌های دیگر هم از نظر ظاهری و هم از نظر باطنی و تأثیرگذاری، به هیچ وجه همقد اسد (افشاری) نیستند و نمی‌توانند شخصیت او و قصه را کامل کنند؛ نه آدم هایش، سبزواری و مستر و نه نامزدش (لیندا کیانی) و نه به‌ویژه آن خانم مددکار (مهتاب کرامتی). شاید بهتر و جذاب‌تر بود که اسد را بیشتر در همان فضای تشریفات می‌دیدیم و قصه‌ها و موقعیت‌های نفس‌گیرتری برایش تعریف می‌شد. مواجهه او با آن شخصیت سرسخت و یاغی با خانم مددکار، به جای این‌که منجر به چالش و موقعیت دراماتیک جذاب تبدیل شود، به خنثی‌ترین شکل ممکن برگزار می‌شود و اسد به‌راحتی، از خود نرمی و انعطاف به خرج می‌دهد. باوجود تلاش برای قصه‌گویی و ساخت فیلمی جذاب، حالا صحنه‌زنی گرفتار عنوانش شده و بیشتر به یک «فرم‌زنی» می‌ماند.

سم لازم!

آن سینماگرانی که با تجربه دستکاری کارگردان، سراغ فیلمسازی می‌روند، موفق تر هستند یا آنهایی که با ساخت فیلم کوتاه، به فیلم بلند و سینمای حرفه‌ای قدم می‌گذارند؟ مطمئناً با جوابی قاطع روبه‌رو نیستیم و در هر دو زمینه، نمونه‌های موفقی سراغ داریم. شاید بهترین جواب، ترکیبی از هر دو باشد. کاوه مظاهری، از جمله فیلمسازانی است که با ساخت فیلم کوتاه، به فیلم بلند رسید. او که پیشتر فیلم‌های کوتاه موفقی ساخت و به‌ویژه با «روتوش» بسیار در ایران و جهان درخشید و جایزه سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه از جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد، در اولین فیلم سینمایی‌اش، «بوتاکس»، سراغ روایتی از زندگی دو خواهر می‌رود. مظاهری، در فضاسازی و



جلوه بصری فیلم موفق عمل می‌کند و همان وسواس و نگاه ایده‌آلیستی و خلاقانه فیلم کوتاه را به اینجا می‌کشاند. شاید آگاهی ما از سابقه فیلمسازی مظاهری در فیلم کوتاه، در این اظهار نظر نقش داشته باشد، اما انگار «بوتاکس» یک فیلم کوتاه کش‌آمده است و برای تبدیل به فیلمی بلند، کشدار به نظر می‌رسد. هرچند برای نزدیک شدن به جهان اکرم و آذر و نحوه گذر آنها از بحران پیش آمده، نیاز به درنگ و صبوری است. اما شاید فیلم با ضرباهنگ بهتر و خرده‌داستان‌های جذاب‌تر، بر تعلیق و ماجراجویی قصه می‌افزود و تماشاگر را بیشتر درگیر می‌کرد. ضمن این‌که انتظار می‌رفت، فیلم تمرکز بیشتری روی شخصیت خاص و منحصربه‌فرد اکرم (با بازی خوب سوسن پرور) داشته باشد و آن اتقاط جهان ذهنی و دنیای واقعی را تقویت کند. شاید واقعاً فیلم برای جذابیت بیشتر باید به ترکیب طبیعی چهره‌اش دست می‌زد و با یک بوتاکس و تزریق سمی ساخته شده از بوتولینوم، برخی از عضلات قصه را فلج می‌کرد تا با اثر جذاب‌تر و پرکششی روبه‌رو باشیم!

فیلم کمال تبریزی در جشنواره شانگهای

فیلم سینمایی «داستان دست‌انداز» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی محمد آفریده در نخستین نمایش جهانی، در جشنواره بین‌المللی شانگهای به روی پرده می‌رود. به گزارش ایسنا، فیلم داستان دست‌انداز در مجموعهٔ انترناتیوها در بخش پانورما در بیست و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای به‌نمایش درمی‌آید. جشنواره فیلم شانگهای از ۲۱ تا ۳۰ خرداد سال جاری در کشور چین برگزار می‌شود.



روی پوست شهر

اگر موارد استثنایی و غیرقابل هضم را در نظر نگیریم، مقام و جایگاه مادر، د و والا و خدشه‌ناپذیر است. مادران، مخصوصاً در طبقات محروم برای ر خود را به آب و آتش می‌زنند. گاهی در همین تقللا‌ها، خطاها و اشتباهاتی پیش با خطوط قانونی قرار می‌گیرد و اتفاقی که نباید می‌افتد، یعنی عقوبت و مج و محرومیت و به قصد زندگی بهتر، ناخواسته و ندانسته دست به اشتباهی ه فروپاشی خانواده؛ درحالی‌که اساساً تمام تلاش مادر برای فرار از این نقطه ت مسیر غلط مهرورزی، سرانجامی چون فاجعه ندارد.

مریم بحرالعلومی با فیلمنامه‌ای نوشته پژمان تیمورتاش، سراغ روایتی از شهربانو، با اسمی تعمیم‌پذیر، مادری است که سال‌ها پیش برای راحتی و آس و محرومیت و به قصد زندگی بهتر، ناخواسته و ندانسته دست به اشتباهی بر که به حبس ابد او منجر می‌شود. ترس و تردید همسرش و ترک ناگهانی خانو و بیشتر فرزندان آنها می‌شود. حالا بعد از چند سال، شهربانو به دلیل حسن ا در مراسم ازدواج پسرش حاضر باشد، البته نه به عنوان مادر، چون خانواده داماد باخبر شوند و این تازه، یکی از انبوه مشکلات شهربانو است.

بحرالعلومی، در دومین گام فیلمسازی‌اش در سینمای حرفه‌ای، فیلم گرم و خود به عنوان فیلمساز، نقشی در اشاره به یکی از معضلات و طیفی آس شهربانو با وجود طرح موضوع، تلاش برای قصه‌گویی و روایتی همدلی‌بر صدرعرفایی، بهناز جعفری و بهرنگ علوی، کم و کاستی‌ها و ابهاماتی در رو و عدم نمایش شخصیت‌هایی چون پدر و دختر کوچک خانواده، چندان و کمکی به جذابیت درام نمی‌کند.

«شهربانو» که همچون صحنه زنی، متقاضی حضور در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر بود، اما از راهیابی به بخش پایانی این رویداد جا ماند و سرانجام سر از سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر درآورد، شاید با فیلمنامه و پرداخت و برخی بازیگران دیگر در بعضی از نقش‌ها، تبدیل به فیلم مهم‌تری می‌شد. راستش هنگام تماشای شهربانو و هر فیلم دیگری با موضوع و مشکلات زنان، نگاه رخشان بنی‌اعتماد را هم تصور می‌کنم و این‌که اگر فیلمسازی چون او، سراغ چنین سوژه و موضوعی می‌رفت، می‌توانست چه فیلم بمبقتی‌تر و تأثیرگذارتری بسازد. اما فارغ از این حسرت و غیبت چند ساله بنی‌اعتماد، می‌است و بحرالعلومی جوان حتی با همین شهربانو هم تا حدودی نمره قبو پختگی فیلم‌هایش در ادامه خوشسین بود.

درباره عکس هر راوی آمده است، دنیایی از ناگفته‌های رختشویی در جنگ هستند. بنابراین حوض خون فقط یک کتاب خاطره نیست، اثری است مستند که خاستگاه زنان رختشوی اندیمشک را برای آیندگان ثبت کرده است تا به عنوان کتابی مرجع برای پژوهشگران جامعه‌شناس مورد استفاده قرار گیرد.

اگر از احوالات زنان رختشوی اندیمشک بپرسید باید بگویم این روزها گرینانگیر عوارض شست‌وشو با آب سرد و لباس‌های شیمیایی و شوینده‌های پُرخطر هستند اما حال دلشان خوب است و منتظر فرصتی هستند تا باز به خاطر ارزش‌هایشان رخت بشویند همان‌طور که ماه‌بی‌بی شرفی در روایت شصت‌وسوم حوض خون در اوج انقلاب‌گیری می‌گوید: «هنوز هم برای شستن لباس رزمنده‌های مقاومت در هر جای جهان باشد آماده‌ام...». کتاب حوض خون، در ۴۰۵ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰۰ نسخه و با قیمت ۷۰ هزار تومان توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است.

آنها زحمات و فداکاری‌هایشان در پشت جبهه را در برابر خون شهدا ناچیز می‌پنداشتند و حاضر به گفت‌وگو نمی‌شدند. اما محقق پروژه به این سادگی‌ها کوتاه نمی‌آمد و هرطور شده قانعشان می‌کرد اگر از آن روزها نگویند بخشی از مأموریت‌شان را انجام نداده‌اند و اگر سکوت کنند، هستند کسانی که از جنگ بگویند تا جنگ را نقص جلوه دهند نه نعمت.

میرعالی در کنار چالش‌های تحقیق، تدوین سختی را پشت سر گذاشت. اما او با انتخاب هوشمندانه قالب کتاب و با تکیه بر قلم شیوا و روان خود اثری منسجم تولید کرده است. به طوری‌که با وجود تکرار در فعالیت‌راوی‌ها، محتوای کتاب، تکراری و آزاردهنده نیست چراکه پرداختن به زندگی شخصی هر راوی، باعث جذابیت بیشتر کتاب، پرهیز از تکرار و کلی‌گویی و ملموس‌تر شدن ارزش کار راوی‌ها در شرایط مختلف شده است.

در کنار متن اصلی، پاورقی‌ها، تصاویر پایان کتاب و توضیحاتی که

است دچار بدیهی‌انگاری‌ام کند و نتوانم آن‌طور که شایسته است از زحمت‌های این محقق و نویسنده ربتلاش بگویم.

فاطمه‌سادات میرعالی که تجربه چندصد ساعت مصاحبه با راویان جنگ را در کارنامه خود دارد، حوض خون را به عنوان اولین اثر خود در قالب خاطرات نیمه‌بلند به نگارش درآورده است. او در طول تحقیق و نگارش کتاب با موانع و سختی‌های متعددی دست‌وپنجه نرم کرده که در مقدمه کتاب بخشی از آنها ذکر شده است. بارها شاهد مراجعه او به راوی‌های رختشویی بوده‌ام. افرادی که معتقد بودند کاری انجام نداده‌اند و هرچه بوده برای رضای خدا بوده است.

کتاب «حوض خون» مجموعه ۶۴ روایت جذاب و خواندنی از زنان اندیمشکی است که در طول سال‌های جنگ در خانه‌ها، مساجد و بیمارستان‌ها، لباس‌های خونی و خاکی رزمنده‌ها و مجروحان را می‌شستند.

که روزگاری که «جنگ روایت‌ها» دور و برمان را احاطه کرده، پرداختن به چنین موضوع بکر و مغفول مانده‌ای از دفاع مقدس همتی بلند می‌طلبد. برای من که از نزدیک شاهد تلاش نویسنده (فاطمه‌سادات میرعالی) بوده‌ام حرف زدن از حوض خون ممکن

عطف [نقد]

نگاهی کوتاه به کتاب «حوض خون»:

نسرتین تتر

پژوهشگر تاریخ شفاهی